

وقتی مسلمان شدم از اینکه اسلام برای همه مشکلاتم راه حل داشت به وجد می آمدم

لوئیس خاویر هستم از کشور کلمبیا یکی از کشورهای منطقه آمریکای لاتین که از ۱۴ سالگی با اسلام آشنا شدم و بعد از تحقیقات مفصل در سن ۲۱ سالگی شهادتین گفتم و اسلام آوردم و قبل از آن هم مشغول فعالیت های فرهنگی و اجتماعی در کشور خود بودم. پس از [اسلام آوردن](#) نام عبدالحکیم را برای خود انتخاب کردم. در سن ۲۴ سالگی ازدواج کردم و در حال حاضر در شهر قم مشغول تحصیل علوم حوزوی هستم.

من از یک خانواده مذهبی و [کاتولیک](#) بودم. از همان اول دغدغه مشکلات اجتماعی مردم را داشتم و به دنبال آن بودم که راهی برای حل مشکلات مردم پیدا کنم و به همین دلیل مطالعات بسیاری انجام می دادم و همین مطالعات مرا به اسلام رساند و آموزه های اسلام را راه نجات مردم کشور خودم یافتم و علاوه بر آن این دین را ادامه و مکمل نداشته های دین مسیحیت یافتم.

جمعیت این کشور ۴۶ میلیون نفر است که یک قسمت از این جمعیت مهاجرین آفریقایی هستند، یک قسمت بومیان خود کلمبیا و قسمت دیگرینیز از اروپا به این کشور آمده اند و متأسفانه سیاست های این کشور خیلی تحت تاثیر سیاست های آمریکا در منطقه است ولی مردم کلمبیا روحیه انقلابی دارند و این را بر نمی تابند.

۳۰ هزار مسلمان در این کشور وجود دارد و روند تبلیغ در این کشور به خاطر حضور و نفوذ آمریکا نسبتاً سخت است و علاوه بر آن تخریب و سیاه نمایی رسانه ای نیز عامل دیگری است که سیر صعودی گرایش به اسلام و اسلام ایرانی را کم می کند.

پدر و مادر من مسیحی هستند و همسر بنده هم بعد از ازدواج با من کم کم و به انتخاب خود اسلام آورد. دین اسلام دین حقیقت است که با عقل و دل مردم بازی می کند و نمی شود به اجبار کسی را مجبور نمود. ما باید خوب عمل کنیم که این بهترین راه تبلیغ است و نباید اصرار کنیم و مردم باید اول ببینند و آن وقت است که خیلی سریع تاثیر می پذیرند. من اوایل تشرفم به اسلام تلاش بسیاری برای ترغیب پدر و مادر و آشنایانم می کردم ولی کم کم متوجه شدم این اصرار اشتباه است و به دنبال درست کردن اعمال خود برآمدم تا دیگران جذب اعمال من شوند که این اثر بهتری می گذرد.

وقتی من به سراغ اسلام آمدم از اینکه اسلام برای همه مشکلات من راه حل داشت به وجد می آمدم. همه مردم خواهان چنین مرام و آئینی هستند و به همین دلیل افرادی که مسلمان می شوند بازگشتشان از این دین بسیار سخت است.

اکثر مسلمانان کلمبیا ارادت خاصی به امام رضا (ع) دارند و خود من اولین بار در سال ۲۰۰۶ به زیارت این امام عزیز رفتم و این بهترین تجربه در زندگی من بود. آنجا یک نفر مخصوص را یافتم و نه فقط آرامگاه یک انسان عادیمثل سایر قبوری که در مکان های

مختلف وجود دارد، یک حس ویژه ای به من دست داده بود و البته از دیگر تجربه های خوب من زیارت کربلا در روز اربعین بود.

اولین دلیل من به خاطر پذیرفتن دین اسلام و مذهب تشیع بود که مرا وادار به تحقیقات بیشتر راجع دین اسلام می کرد که هم برای خودم مفید باشد و هم برای مردم کشورم مفید واقع شود. دوم اینکه حس کمک به دیگران و هدایت آنها به دین بر حق اسلام مرا تحریک به تحصیل علوم حوزوی کرد که با تحقیقات بسیار ایران را بهترین انتخاب یافتم و در ایران ساکن قم شدم.

ما در غرب می بینیم که چطور هر روز زندگی مردم خراب تر می شود و زندگی آنها سخت تر می شود و تنها راه نجات همه مردم عمل به راهکارهای اسلام است. اسلام دین سختی نیست ولی متأسفانه در اذهان بعضی جوانان دستورات اسلام سخت هستند، شاید بعضی از دستورات آن سختی داشته باشد ولی این سختی ها ما را از خیلی سختی های بزرگ تر و پر تعداد تر نجات می دهد. بزرگان دین باید بیشتر به جوانان اهمیت بدهند تا آنها به درک بهتری از دین برسند.

ما می بینیم که شما ایرانیان در این کشور در نعمت هایی قرار دارید که در هیچ جای دیگر دنیا وجود ندارد. توصیه من این است که اگر می خواهید عاقبت به خیر شوید حتماً به دنبال درک حقیقت مفهوم "انسان" باشید چراکه تمام نکات هستی در انسان نهفته است.

شیعیان کلمبیا همگی جزء بومیان خود کلمبیا هستند و بیش از ۱۵ هزار نفر هستند و خارجی ها اکثراً سنی مذهب اند که همگی با هم برادریم و ارتباط خوبی با هم داریم که البته این ارتباط در قبل بسیار بهتر بود ولی از زمانی که وهابی ها به کشور ما نفوذ کردند مقداری رابطه شیعه و سنی بد شد که ما تلاش بسیاری برای جبران این فاصله انجام می دهیم.

اسم خود را عبدالحکیم گذاشتم چون می خواستم خدا مرا هدایت کند و انشااﷻ یک روزی بنده حکیم خداوند بشوم.

همین نکته که می دیدم اسلام برای همه مشکلات مردم راه حل و بهترین راه حل را دارد بسیار برای مرا شگفت زده می کرد.

این که بتوانم در دنیا بنده خوب خدا باشم و اینکه بتوانم این دین را در کشورم منتشر کنم آرزویم است. من در کشورم فعالیت های اجتماعی انجام می دهم که همین رفتار ما بدون اینکه حتی خود را مسلمان معرفی کنیم بر جوانان و نوجوانان تأثیر خوبی می گذارد و عده ای از آنان بعداً که می فهمند ما مسلمان بوده ایم پیش ما می آیند و اسلام می آورند.

من قبل از اینکه شهادتین بگویم شروع کردم به نماز خواندن، چون شنیده بودم که مسلمانان روزانه ۵ نوبت نماز می خوانند و برای همین خواستم این عبادات را تجربه کنم تا ببینم تحمل آن را دارم یا خیر و برایم جالب بود که پس از یک مدت نماز خواندن به حس خوب و دوست داشتنی رسیدم که دیگر ترک کردنش برای غمناک بود و برای همین هم

با خیال آسوده اسلام آوردم.